



# گفت و گوهایے با عباس کیارستمی

**Conversations with Abbas Kiarostami**

همراه با گفت و گوی صالح نجفی با عباس کیارستمی  
با دیباچه‌ای از احمد کیارستمی

کادفیری چشایر

ترجمه صالح نجفی

## فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم .....
۱۱	دیباچه احمد کیارستمی .....
۱۵	مقدمه .....
۲۵	گفت‌وگوهایی با کیارستمی .....
۳۱	نان و کوچه .....
۴۱	زنگ تفریح .....
۴۷	تجربه .....
۵۱	مسافر .....
۶۱	منم میتونم .....
۶۵	دوره‌حل برای یک مسأله .....
۶۹	لباسی برای عروسی .....
۷۷	زنگ‌ها .....
۷۹	بزرگداشت معلم‌ها .....
۸۳	گزارش .....
۱۰۳	راه‌حل یک .....
۱۰۵	کاخ جهان‌نما .....

۱۰۹	..... قضیه شکل اول، شکل دوم
۱۱۷	..... دندان درد
۱۲۱	..... به ترتیب یا بدون ترتیب
۱۲۳	..... همسرایان
۱۲۷	..... همشهری
۱۳۳	..... اولی‌ها
۱۳۵	..... خانه دوست کجاست؟
۱۶۱	..... کلوزآپ یا نمای نزدیک
۱۷۵	..... زندگی و دیگر هیچ
۱۹۱	..... زیردختان زیتون
۲۰۳	..... طعم گیلان
۲۱۵	..... باد ما را خواهد برد
۲۲۵	..... پیوست
۲۲۷	..... ایرانی‌یی که چشم جهان را خیره کرد
۲۳۵	..... گفت‌وگوی صالح نجفی با کیارستمی
۲۷۱	..... چرخش دیجیتالی عباس کیارستمی
۲۷۹	..... پی‌نوشت: دررئای عباس کیارستمی (۱۹۴۰-۲۰۱۶)

چشایز: امکانش هست دربارهٔ تحصیلات تان برایم بگویید؟

کیارستمی: سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) به دانشگاه رفتم تا نقاشی بخوانم و سیزده سال از عمرم را آنجا گذراندم. اگرچه مدت تحصیل به طور معمول چهار سال بیشتر نبود، من سیزده سال در دانشگاه ماندم. آن روزها من رکورد سیزده سال را به جا گذاشتم. علت اینکه تحصیلم آنقدر طول کشید این بود که کار می کردم. علتی جز این نداشت. برای تبلیغات کار گرافیکی می کردم. آگهی های بازرگانی هم می ساختم. برای چند فیلم هم تیتراژ ساختم.

- و از راه تصویرسازی برای کتاب های کودکان بود که در مسیر فیلمسازی افتادید؟

بله، برای سه کتاب کودک تصویرسازی کردم. بعدش، به لطف تجربه ای که در کار تبلیغات و آگهی های بازرگانی اندوختم، مرکز فیلمسازی کانون [پرورش فکری کودکان و نوجوانان] را تأسیس کردم.

- شما مرکز فیلمسازی کانون را تأسیس کردید، ولی کانون قبل از آن فعال بود، درست است؟

